

مطالعات

باشگاه روشنفکران ایران

بت‌های ذهنی و خاطره ازلی



انتشارات امیرکبیر
۱۳۵۵

کتاب به دو بخش تقسیم می‌شود که بخش اول چند مقاله معروف شایگان است به نام‌های: معارضه‌جویی معاصر و هویت فرهنگی، بت‌های ذهنی و خاطره ازلی، تفکر هندی و علم غربی، تصویر یک جهان یا بحثی درباره هنر ایران. بخش دوم که بسیار جذاب و درخشان و مفید است، به بررسی ساختار اسطوره‌ها و مطالبی در مورد آنها می‌پردازد. این بخش از پنج فصل تشکیل شده است.

آسیا در برابر غرب



انتشارات امیرکبیر
۱۳۵۴

این کتاب درباره نیهیلیسم نیچه و نتایج تقدیر تاریخی بروز غرب‌زدگی جمعی در آسیا است. در بخش انتهایی این کتاب تمدن‌های آسیایی با تفکری فلسفی مورد بحث قرار گرفته است. شایگان در این کتاب به نقل از داستایوفسکی نوشته: «ما روس‌ها همگی نیهیلیست هستیم.» در این کتاب مطرح شده که انکار فرهنگ و تاریخ سبب شد که روس‌ها با مسائل نهایی درگیر شوند و افراط کنند؛ مارکسیسم و سوسیالیسم نقطه پیوند نیهیلیسم روس و نیهیلیسم غربی هستند.

ادیان و مکتب‌های فلسفی هند

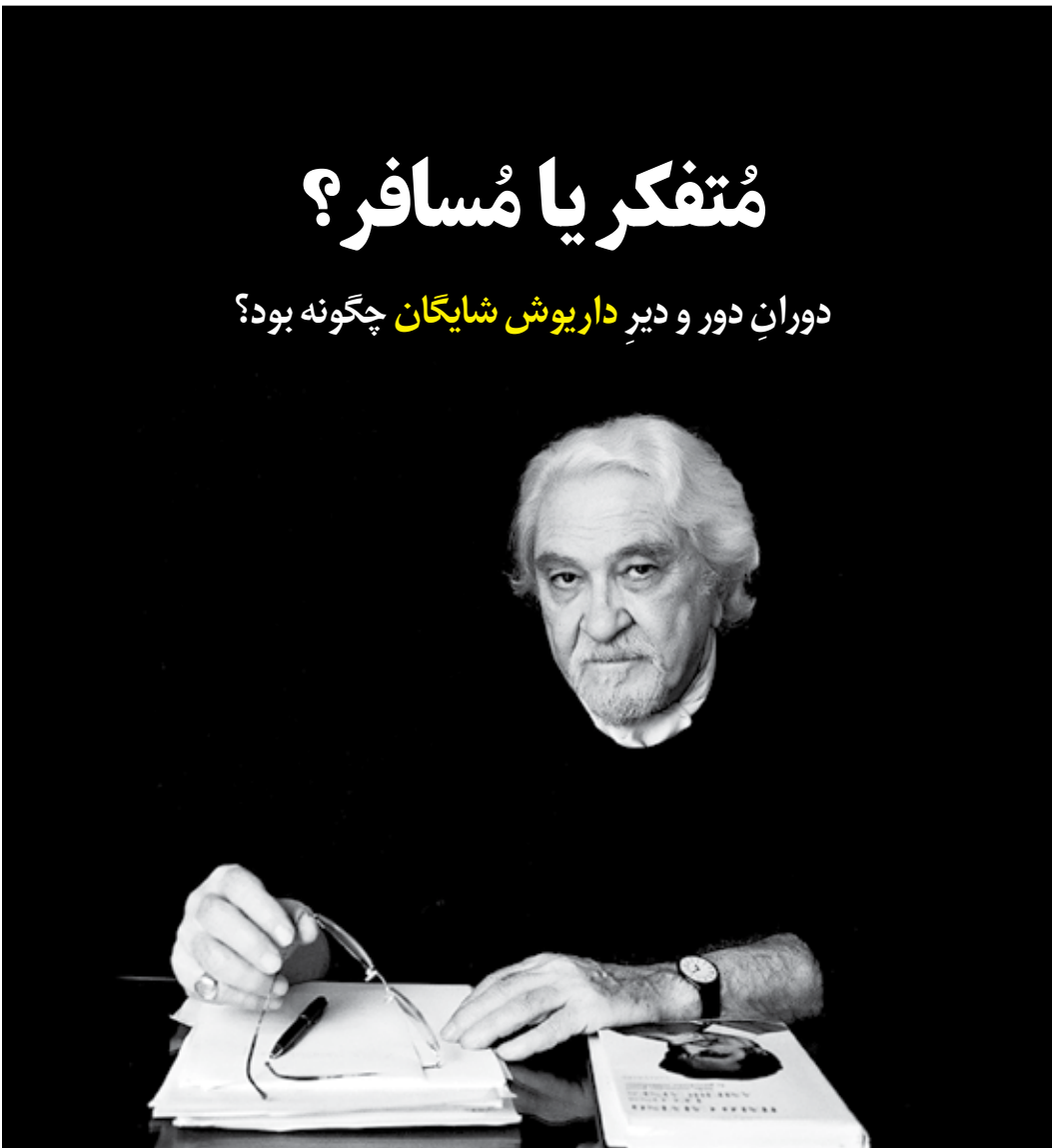


انتشارات امیرکبیر
۱۳۴۸

هدف این کتاب معرفی اجمالی مکتب‌های فلسفی هند است. یکی از امتیازهای اصلی این کتاب، این است که بدون هیچ‌گونه حاشیه‌پردازی یا تفسیری، به بیان و شرح نکته‌های اصلی و کلیدی فلسفه هند می‌پردازد و عصاره و کلیات هر یک از مکتب‌های نه‌گانه مادر را در سرزمین هند، با روشی نظام‌مند، بیانی استدلالی و کلامی موجز به خواننده عرضه می‌دارد.

متفکر یا مسافر؟

دوران دور و دیر داریوش شایگان چگونه بود؟



گرفت، پس از پیروزی انقلاب نه تنها در آرای خود تجدیدنظر کرد، بلکه آل احمد و شریعتی را نیز مورد انتقاد قرار داد. با این حال شایگان به همراه شریعتی و آل احمد و نراقی در تمام طول پادشاهی محمدرضا پهلوی در کار نقد تجدد و ساختن چهره‌ای درخشان از میراث و سنت ایرانی و اسلامی بود. سازشی که البته به قیمت ستیز با تجدد امکان می‌یافت. حال پرسش این است چرا این روشنفکران بنیان‌گذار رومان‌تیسیم ضد مدرن و تجددستیزی می‌شوند؟ در دهه‌های چهل و پنجاه چه اتفاقاتی در کشور رخ دادند و چرا روشنفکران ایرانی در برابر آن اتفاقات موضع منفی و سلبی می‌گیرند؟ «ایران در سال‌های دهه‌های چهل و پنجاه داشت جهش می‌کرد. ما از آسیای جنوب‌شرقی آن موقع جلوتر بودیم، ولی بعد آن‌ها پیش افتادند و موفق‌تر شدند. علت عدم موفقیت ما به نظر من این است که ما شتاب تغییرات را تحمل نکردیم. حالا چرا؟ نمی‌دانم... ما روشنفکران آن دوره هم پرت بودیم و تحلیل درستی از جایگاه خود در جامعه و جامعه‌ی خود در جهان نداشتیم... می‌توانم این را به عنوان یک اعتراف بگویم که ما روشنفکران جایگاه خود را ندانستیم و جامعه را خراب کردیم... باید اعتراف کنم شرمندم که نسل ما

از سوی دیگر داریوش شایگان حریص‌ترین روشنفکر ایرانی در کشف فلسفی و فراگیری علوم انسانی به شمار می‌رود. او در زندگی خود از هر سمت‌وسویی که رفته، با دست پر بازگشته است. از این لحاظ می‌توان او را بیش از آنکه فیلسوف یا روشنفکر نام نهاد، یک متفکر آزاد نامید که هم از خرمن دانش هانری کربن توشه برمی‌گرفت و هم دل در گروی برانگیزش‌های احمد فرید داشت. داریوش شایگان را می‌توان با احتساب اوضاع و احوال فکری که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی داشت، در دسته سنت‌گرایان یا به عبارت دقیق‌تر، بومی‌گرایان قرار داد. دسته‌ای به سردستگی آل احمد و حضور چهره‌های مشهوری نظیر احسان نراقی و علی شریعتی. تجددستیزی را می‌توان نقطه مشترک چهار اندیشمند پیش‌گفته نامید که در حالت عادی کمتر ارتباطی می‌توانستند با یکدیگر داشته باشند. البته داریوش شایگان به مثابه‌ی روشنفکری که در هم‌آورد علیه غرب مشارکت داشت، از دانشی گسترده و خلاقیتی غیرقابل مقایسه با دیگر روشنفکران غرب‌ستیز برخوردار بود. او به‌رغم اینکه دانش و خلاقیت خویش را پیش از به ثمر نشستن انقلاب ۱۳۵۷ در مسیر تحکیم تجددستیزی به کار

محمود مزروع
روزنامه‌نگار

کمال اطهاری در مقاله‌ای خواندنی درباره نظام فکری داریوش شایگان که سال‌ها پیش در مجله مهرنامه نوشت، بر این ادعا تاکید کرد که داریوش شایگان «برنامه پژوهشی» خود را برای رهایی انسان مدرن از تجسد سایه-هایی که خود آفریده، با نوشتن کتاب ارزنده «افسون‌زدگی جدید» (با ترجمه درخشان فاطمه ولیانی) پیش روی ما نهاده است. او می‌گوید انسان پیشامدرن دچار افسونی بود که اسطوره همچون سایه‌ی جهان، بر معرفتش می‌افکند. انسان مدرن با بیرون کردن اسطوره از حیطة شناختش، از جهان افسون‌زدایی کرد و در عین حال خود را از بخشی از معرفتش یعنی تخیل محروم کرد. اما انسان پسامدرن، که در پی فراتر رفتن از عقلانیت ابزاری انسان مدرن بود، به غلط به سایه‌ها جان داد؛ بدین معنا که این بار «اجسام سایه خود را نمی‌افکنند، بلکه سایه‌ها هستند که جسم خود را می‌افکنند»، و بدین ترتیب دچار افسون‌زدگی جدید شد. اما به نظر می‌رسد سرشت و سرنوشت اندیشه شایگان را باید در سطحی فراتر از افسون‌زدگی ارزیابی کرد.